

معاودت نمودند در سده هزار و دویست و سی و شش امانت بزرگ

گردیدند و طالب آزادی شدندش سال محاربه و مجادله در میان بودند

تا آنکه مملکت بزرگ دولت علائمه گردید و ام پدرو پادشاه پورتگال

خود را از سلطنت ملک قدیم خلع کرد و ملقب شاهشاهی این مملکت

منفق گردید و سلطنت پورتگال را بدو حضرت سالد خود واکدار کرد و بعد از

پنج سال خود را خلع و شاهشاهی بزرگ را به پسر خود واکدار کرد تا کنون

پادشاه آن مملکت است

دیگر ملک کونیه است طولش شصت و چهار صد فرسوخ است و عرضش دویست و

چهل فرسخت و سوا این ولایت مسکن قبایل و حشیان بومیان

ولایت است و سوا حشش دولت انگیز و فرانس و اسپانیا و پور

تغال و دولت نیز تصرف کرده آبادی نموده اند و هوی این مملکت با امانت

فرنگستان سازگار و خاکش حاصل خیر است و این مملکت بیع

جمعیتش بسیار کم است اشجارش سبز و خرمست حیوانات وحشی وسطی

فراوانست

دیگر ملک تپه کونیته است که در تصرف بومیان قدیمست و وسطش را
هنوز امالی فرنگستان قدم گذاشته اند اما آنجا حیوان طبیعت و
وحشی صفت میباشند ولی عموماً سبب قامت از همه انواع بشر
بند ترند و چهره ایشان بزنگ مس است حربه ایشان تیروگان است
و با سر آنها پوست حیوانات است اراضیش مسلوب المنفعه
و هوایش بسیار سرد است و طول این مملکت تا عرض پنجاه و شش درج

جنوبی میباشند

قسمت پنجم از اقامت خمه که ارض شیرل ایشیه و پورایش است

در اصطلاح فرنگان ولالت میکند بر همه جزایر متشهره در محیط پامنیک
و هندوستان که جزو هیچ یک از تقسیمات از تقسیمات اربعه کل میباشند

از جزایر استرالیته

جزیره نیو مانده است بزرگ ترین جزایر دنیا است طولش شصت و
یفرسوخ و عرضش شصت و هفتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و
نیو شوش و پلنگ کوسیند در ربع الاول نه هزار و دویست و
دو پانصد و پنجاه و هشت نفر و دویست و هشتاد و هشتاد و
خود را دولت انگریز در سال این جزیره فرو آورده و آنرا در سال
و تناسل از جمع قبایل بعد از پست و سه سال که شده هزار و دویست و
پست و پنج بجزایر باشد که به شش رده در آورده اند از دوازده هزار
تقریباً و زبده اند در سه هزار و دویست و شصت و سه که مجدداً
کرده اند از دویست هزار نفوس متجاوز شده اند در سواحل انجزیره
عمارات نیکو و بیوتات عالیات و قراء و قصبات ساخته اند و شهر
سند و پاشخت است که اطول سالی و ایامش چهارده ساعت و

برع است و شکر بسیار ظریف مقبول و دیگر بنا نموده اند و از اسنمی بر اول
آید و ساخته اند و اما آن خیزره و بومسبان آنجا حیوان طبعیت و وحشی صفت
میباشند خون و گوشت آدمیرالدنیزترین اقدیر میباشند در ترغ
با هم دیگر مغلوب سور غذای خود قرار میدهند و خانهای آنها جن
اشجار و سوراخهای زمین و معاریت جاست و غذای غالب آنها ای
خام و سیوهای جنگلی و پنخ کسپاه و صمغ اشجار میباشد و درایت و صورت
آنها نیز از اما فرقی میباشد بهنای نازک و منی شپده دارند و در
دو چیز بسیار شتر اختلاف دارند یکی آنکه پشانه آنها مانند سنگ آلبه است
دیگر آنکه پهای ایشان با پشم و گوشت نازک و باین سبب در دیدن
چالاک خواهند بود اما اگر زور صد در پست آنها میباشد البته تدریج
مانوسشان خواهند نمود و باران در خیزره مطلق نیست بسیار دوز ماینگ
نبای بارش شود چنان مپارو که سیل کوه و صحرا را فرا میگیرد و خراب

زیاد میکند هوایش نیکوست و بجز در چشم سایر امراض بسیار است
و در این ماه سعدن طلا در آنجا پیدا شده که با نیواسطه اطلال و نختان
کشتی کشتی تا بجا میروند و توطن اختیار نمایند و در جزیره سیوان
غریب میباشد که شباهت شتر مرغ دارد و آنرا دو دو میسمازند که
ارتفاعش شش ذرعست و بندترین حیوانات عالمست و جانور دیگر است
که شباهت بپوش دو پا دارد و از رو باه نزدیکتر است و شباهت
بسیار کوتاه و پاهایش زیاد و از بهت آنرا گنگر میسمازند
دیگر جزیره وندی منسند است

که جنوب جزیره نیوانند بسافت سیفرنج واقف شده هوای این جزیره بهتر و معتدل
تر است و طول این جزیره شصت فرسخ متجاوز است و بومیان این
جزیره شباهت تام در اخلاق و احوال و ترکیب و اندام با بانی
نیوانند دارند دولت انگریز در سوم جلس قلاع خوب و امنه مرعوب

ساخته اند و جمعیت غزاه و ساکنین آن جزیره در سینه هزار و دویست و
پنجاه و چهار هجری چهل و شش هزار نفر بوده اند که یک ثلث مشغول تجارت
وزراعت و دو ثلث بکسب و تجارت اشتغال داشته اند و در آن جزیره
حیوان غریبی است و از جنس یوز است و گن گرو نیز فراوانست و دیگر
جزیره نازوک است که در محیط باسفیک است و از کیت بومیان این

جزایر اطلاعی تا بحال حاصل نشده

دیگر جزایر کیت که طولش چهار صد فرسخ و عرضش هشتاد فرسخ است
و محصولات خاص آنها نارسیل و شکر است و درین جزیره مرغ
بیشی بسیار است و از آن مرغ پارت و خوش گل تر و در دنیا بیش و بخت
طلوعی و قمری فراوانست که چشم بر یک تقدیر بسته اند و می شود بومیان این جزایر
سینه و حشی و خوشنوارند و بالای درختان منزل ترتیب داده اند
دیگر جزیره نوریستین و نیو ایرند است

بومیان این جزایر شیر تر از همه جایگانت و آلات حرب آنها
اغلب نیزه است که برسد آن عوض آهن سسک چنانک تصنیف نموده اند
دیگر جزیره وای حیوان است که طویش همچنان مینامند و چپ از فرنج و عرش
بشت فرسخت و جمعیش زیاده از یکصد هزار است و اطراف آن جزایر
جزایر کوچک متعدده است دیگر جزایر سولومن است که در آن جزایر
سپاهان جنگ آدم خوار توطن دارند دیگر نوزید است که مشتمل بر
دو جزیره بزرگ است بومیان بسیار خوش است و اشجار
سبب در رفاه و قطار از اشجار بسیار جزایر بهتر است و بومیان این جزیره
زیتون درخت میباشند و بسیار وحشی و خونخوارند درین اوقات
جمعی از کیشیان حبسوی در آنجا منزل گرفته اند و در تربیت آنها خمت زیاد
میکنند دیگر جزیره لوی سید است که همچنان نود فرسخ طول و عرش
بست فرسخ است و طول جزیره نوزید همچنان صد و شصت فرسخ است

و عرضش شش فرسخ و جمعیت آن جزیره از بویان آنجا تا بحال و سی
مزارعش شش شخص نموده اند اما جزایر پلانسیه مثل رچدین و سه جزیره
کوچک است که در محیط با منگ و انعقاد مشهورش جزایر الا صد قاپاش
که چند جزیره معتبر است و بسیار با صفا و طراوت است اکثر اشجارش
تارچیل و شجر الخبز است و شکر است و لون سکنه آنجا زیوتونی است
دیگر جزایر است که است

که چندین جزیره کوچک است و بزرگ و خاک آنها حاصل خیز است تارچیل
و میوه جات کرمیری در آنجا فراوانست و لون آنها زیوتونی است
و زبان آنها شیرین و خوب است

دیگر جزایر مرکوبی سیست چندین جزیره کوچک است در همه احوال است
کلی جزایر الشکر که دارند دیگر جزایر سندوچ است که عدد آنها زیاد است
و جزیره بزرگش موباست که تخمنا نود و سه فرسخ دور است و قصبه بزرگ

این جزیره را گیسروء خونینند و در پاستخت این جزیره قصبه مونا روعه است که
اطول یسار و یا ماش سزده ساعت و دو از زده دقیقه است و بومیان
این ولایت مانند سایر همایکانت و لامانوس تر و در صنعت کشتی سازی
همه بزرگ دیگر جزایر کدولاین است عدد آنها سی جزیره بزرگ و کوچک است
و جمعیت آنها زیاد و مالیش مانوس و مهر باند دیگر جزایر بیون است
این جزایر جنب کل زیاد و در خاکش خوب و بهوش مطلوب است مالیش خوش
ترکیب متوسطه قائمه و سیاه رنگ میباشند و از خود پادشاه دارند
دیگر جزایر در مانوس است دیگر جزایر صغار و کبار متعدد است که ذکر کلی
آنها موجب اطباب بود چون قدام جنوب خط استوار بایر و غیر مسکن
صنط نمودند و اندک بلاد معروفیکه در جنوب خط استوار واقع است با همه
تحریر نمود که مطالعه کنندگان از اطلاع کامل حاصل آمده رفع شبهه
مسلوره متقدمین شده باشد ولایات و قضباتیکه در امتزاق و فست

باین تفصیل است الدتکو پی زرمی بر سنت بلد و سنت سلواد
 سنت فلیب نیکولا فارتاف یکنده کلونکو و کوی لاکیب تون
 کیب کو دهب توکو موزیک نوتکو پرت لارابت ولایات
 و قصباتیکه در امریکاه جنوب واقع است بدینموجب است آی رس
 ایدس اریکیت اری کوی به اریکا اسون شن برسلوس
 بنیه پره پوینس اریس پریم بوکو و پریم به پلیم پوه پورتوکلو
 پوتوسی ترکیملو زچه تکن توکومن چلو جوکوی سگا سری چپ
 سنلته سن پو سنت سنت کزدول سیرد سنجان سن شیکو
 سن شیکودل سن کویس فالک ند کاردود کارینش کان پن
 کزو کلود کندلیه کوجه بلیم کوی تو کوین کاکیب ثارن لاپس
 مونت پدیو من دوزء ولدیویه بیمه مرن هم ملدوندو ویله ریکا
 دل پریو امانکه نشتل ویناریه کایه کوئل ل پر قصبات و ولایاتیکم

در محیط مند و با سفیک و ائلنیشک واقع است ای سشن امبانی
 انوبون بارینو ستاویه بت چین با بند، نکه بوتنی بی پوریا
 بوروه پلپیان تیمه پایا پرشر ادوارد تامی نه تره دفینکو تبارو
 خیرالاصدقاء خیرالشکره جونه جوو رادریک سامبو سرم
 سلیس همزنگ سنت پینه سوان ریور سورء کرتر سولاء سوکون
 سومتره سی طیس سیدر صندل دود فلاوس کونگ کومارو
 کلاپس مرتیس مدیوره مری کوی سس میونه ماده کیکر
 لوسی سیدر نیوزمینه نیوکلدوینه نیوپیریدی
 نیوپرتین نارفوک وای جیو مارتون

ذکر شده از محاسن این صاف و محامه قواعد سلطان و پان مجلی از مکارم
 اخلاق و توانم معدلت این با قانی خدایا بشهادت میخوانم
 و کفنی به شهید که در این فصل آنچه بر زبان خاتم صداقت خاتم میگذرد و خال
 تکلفات رسمی بدیجت کتری اینها رشیوه و طریقه بند که و چاکر است بلکه
 صدق محض و حقیقت کار نیست زیرا که تجریر نضرافات و دروغ مفرد
 و نه به تطییر نضرافات پفروغ نامور یا مجبور و لا این بنده را معتقد چنانست
 که حسب سلطان عادل ایمان کامل خواهد بود و سب آنکه احادیث حسب الا و طان
 من الایمان و نعمتان مجبوران الصخره والا مان در غایت صحت و شهود
 توطن در وطن و تعیش در مسکن و همچنین حصول نعمت امان منوط
 بوجود و پادشاهان عادل و ایشان تواند بود چون بگردانده در زمان
 این سلطان تعیش در وطن و نعمت امان حاصل آمد بمفاد لم شکر این شکر
 لم شکرانه شکر منعم لازم گشت لهذا مقتضای حق گزارى حقیقت بخاری

نمود اللهم اجعل من الدين لايشهدون بالزور وانا توحيتمنى وتوكلى الابانه
الغور اعلى حضرت شهر يارى نجيب الطرفين وكريم الجانين است كه اين
نوع شرافت مخصوص حضرتش را چون آيت سلطنت مخصوص است والده
باجده اس سر كار محمد عياضيه مير محمد قاسم خان بن سليمان خان اعتماده
السلطنه قاجار و والده محمد عياضيه ميرزا بطنى مرحوم فرزند فرزند حسين ميرزا
ولادت با عادت حضرت در يوم ششم صفر المظفر الحير والمظفر صفر
نه هزار و دو صيت و چهل و هفت هجرى روى داده و در بديت كارنامه
سلطنت و پادشاهى از طوارىها يوشن لايح و پيدا و انوار ظل اللهى از ناصيه
بما يوشن ظاهر و هويد الصفت عقل و فرست موصوف بسمت فهم و
ياست معروف نمت عالي نمتش تشبب قواعد ملك و نمت مصروف
بعد از واقعه بايله خاقان فرودوس مكان محمد شاه طالب شاه پير بزرگوار
جم افتد ارشش بحكم ولايت عهد و اتفاق آراء جمع اعيان و امراء و خلد

ووزراء دول خارجه در چهاردهم شمس شوال المکرم سنه هزار و دویست و
 شصت و چهار که از الهامات پی بلک الملوک ناصر الدین شاه قاجار بقیست
 قامت با همگانش بطراز کتوسلطنت و شایسته ای آرسته گشت مند
 شهنشاهی و سیر جهانمذری بغزوات همایون صفات مشرف ساخت
 و همای معدنش سایه سعادت بر سر حجاب نیان اندخت از آن تاریخ گشت
 مملکت ایران از انوار قباب سلطنت و پادشاهی انحضرت نور و ضیا یافته
 ایامنا هند و وزیر و اعلام دولت و ترقی و ریاست سلطنت در بند
 در آغاز جلوس بر او زنگ سلطنت در مهر و دولت فتوری از خیمه درجه حال
 در و زنده قلنس رفع اختلافات کثیره کردید سالار و شکر نکت شعار
 دفع طایفه ضالک باینه سیه روزگار رفع شد فتح شهرات علاوه قوت
 کردید و سرخان خوارم با اندازش رسید خدایش زنده ابدی دارد
 که باینکه خان مزبور از مزه خوارج و از دایره اسلام خارج بود در معبر و طاق

و کرباس با پای نعلش نغمه بود بل بر مدش تقبه در واق است حکام یک
بنامود دوستما را بجا کند محروم نگردد با دشمنان نظر دارد و از زیانکه برش
نفس مشکل مهم سلطنت و تشییع مبارک دولت گردیده در تقویت ارکان
دین نبوی و تشییع امور شرعی مصطفوی و اعانت سادت و علماء و رعایت
جمهور رعایا و برپا نسیب کلی حاصل دارد در نظام مهم کشور و شکر برای
صایب و فکر آفتاب همت میکار و این جهانگیری و قواعد پسندیده اش
کارنامه جهان طریقه رعیت پروری و قوانین حمیده اش دستور العمل پادشاهان
و ایشان تواند بود معظم امور سلطنت مهنت طرق و شوارع است آنچه
در سنوات پیشه بنده خود مشاهده نموده چنانچه معروض دارد اگر چه ثابت
اینده است و در نفی اعداست حال الحمد لله در نهایت مهنت و طمئین
تجار و قوافل از طرف بملک محروسه ایران آید و شد دارند وجود سارق و
قطاع الصریق را فسانه چون وجود غمناک میماند بی چون هر یک از امر رجوع

خدمت حکومت از دولت ابد مدت میشود و مشروط بر اینست که چنانچه در اول
دولت یا بدو وراثت قطع طریق قوانین از قاطعی آسبی رسد پدید آید
و الا خود از حمده بر آید و دیگر از خصایل مرضیه حضرت اشفاق و مروت
نسبت مجموع خلافت مخصوص ملزمان و چاکران و رعایت جانب ایشان این شود
ستوده را نوعی مرعی و سلوک میداند که هیچ یک از ارباب سلطنت و صاحب
قوت را دعوی بر برتری با حضرتش بخاطر نیارند چنانچه در تغییرات صدارت
صداورت حالات سلاطین با رضی از سلطان الب اسلان سلجوقی با عیلملک
کندری تا خاقان علی بن آیین فتحلی شاه با حاجی ابراهیم خان شیرازی در
کمال بروز و ظهور است و نوع سلوک این شاهنشاه رؤف مهربان نیز واضح و آشکار
که بدون آفت علماء با اراقت و ماع بهمان غزل از منصب و از او تکفای میسر آید
و دیگر از صفات پندیده اعلی حضرت شاهنشاهی اشفاق حقوق مسلمانان و اجرای
سیاست مهربانست که در سیاست اشخاص واجب الشیاسته بفرمان قهرمان

بسیست عمل فرموده اصلا در عقوبت گناه کاران و حقائق حق مظلوم از ظالمان
مسامحه و تاخیر جایز نیستند و نمیدانند دیگر از حالات حمیده حضرتش عزت
و انصاف است که همواره نیت حق طوبیت و نیت بلند نیتش مصروف
آسود که در فاه رعیت است که با اندازه وسعت و طاقت در مرحله عینی قدم
نهند و به کجایش نشوند و کنت باج و تسبیح دهند بعباده هر ساله بجموع ممالک
مخرد و سه از وجوهات دیوانه معنی شکیفات کلی عنایت میفرمایند که از آنجمله خواه
بهر تو مان نصیب مملکت فارس است و از آنجوان کثیر لیساید اعلی و ادلی را
فایده میرسد نه همین ممالک در رعیت متمن بدل حکام و پیشکاران است مندر نیز بر
میکردند دیگر از خیرات خیرات ذات ملکی صفات و ظایف استمرات است که
هر ساله مبالغه کلیه در وجه طلاب علوم و تشریه و ذریه حضرت خیر البریه و جمعی از
اشرف واعیان که بتصاریف زمان حالت پشیمان دارند بطریق تمبر امین
در قرار است که از آنقدر وجه هر سال با زیادت مرز و آسوده حال بدجای

دوام دولت بدست استغاثه می نمایند اگر چه این فصل که بر زبان عامه میگذرد
 در استان آسمان بطلت عرضه میدارد و از الزام هر چه جاده ادب استجانب نظر
 میاید ولی این کمترین بنده با جازت نامه قدر فاقان الذکر می تنفع المؤمنین
 جبارت میوزر و کاین رسم متحد غایب و متوفی که در این سنوت
 مستعمل اصحاب استیانت خاله از فایده و متضمن بجمت بعضی از ضعفا و رحمی
 از فقر است زیرا که هر ساله محاسبین ولایات که در حقیقت ارباب محو و پند
 جمعی از عجزه و مساکین مستحق الزکوات را با حضور بلد و حالت حیات در
 جریده نامین و متوفیات قلمداد می نمایند و با سامی بی ستمی بردارند
 و بخواهشترین متصرف میشوند چنانچه مظلوم محروم از عطاء می معنوم خواهد در مقام
 اثبات حیات خود براید بزیاده از استمراری سنوت مستقبل شد و محمل
 مصارف تدارک مفروض و تعارف ارباب خیر و شکر نماید چنانچه مسمت
 حذر بانه و همت معقلانه اقتصاد نماید که بعد از این خیرات خیرات بر دوام

بر دوام وثبات بدون نفی دانات به دولت قوی شوکت راهبش دوام
و بقای برت پسر خاطر چاکان شکر بر ما و بر صدای جهان امین خراب
دیگر از اطوار استوده بنا را بخت احدی عمارت عیالات از مدارک
و بقاع الطیر و منازل فرج بخش و لکث و باغات و با این فردوس است
که در اکثر ممالک معروف است که بجز بهر با تمام آن موفق شده اند چون پیش
محتاج به حقیقه علاصده بود لا جریم از اطباب هزار نمود تا زک درین سال دولت
و اقبال در صحاری هر خس در مملکت خزان شهر می نابیره و نجات و دولت
بدستاری هندسان خادق و بنایان خاکبست لایق شستل برابر و حصین درین
رکین و عمارات خوب و نهانی با برش و مرغوب بنا فرموده و مملکت خرابان
معادل چهار هزار خانه و از صنایع و انواع مخترقه با این سخن برای وطن
و تمدن در آنجا سخن داده که الان از کثرت و ازدحام مخلای شهری عام است
و از فور زب درش نوری لایح تا از دیگر آثار پسندیده پادشاهی که در آن در آن
غنیست

ناصریه شرح تاریخ انجام این آثار بیکر بنام علی
 مشوق شسته آثارش در صفحہ روزگار پایدار ماناد بحمد و آلہ الامجاد شکر و منت
 پنهانیت مرقدی را که روزگار را بفرود دولت ابد مدت و مین سلطنت دورانی
 عدت آنحضرت اعلیٰ شانہ منور و مزین گردانید چون طریقه مشرفان
 و مورخان در تقدیم و تاخیر ذکر پادشاهان بر حسب ترتیب زمان است
 بنابراین نسق متابعت اکابر بسبب این مختصر را به بیان شمه از حالات و صفات اعلیٰ
 حضرت شاهنشاهی بر پس از بچاز و دعای دوام دولت روز قرون بکنند
 انجام گردانید حق سبحانه و تعالی در این جهان از عمر و سلطنت برادران
 دهد و آنگهان بقرب حضرت پیغمبر آخر الزمان جوارش از زانی فرماید و
 سایه اقبال این جنس در پسمال ستوده افحال را که واسطه امن و جان مسلمانانست یادیرسان

پایند و مخلص داراد بحمد و آلہ الاشرف الامجاد

تاریخ هشتم شهر ذوالقعدة الحرام ۱۲۲۶
 سمت تبرک از دفتر حرره میرزا کریم